

میاندوز گنجی که دزدان برند

میاندوز گنجی که دزدان برند
و یا بید و زنگش زیان آورند
بیاندوز گنجی بر این آستان
به نزد خدای بلندآسمان
نه از بید و زنگش زیان آیدش
هر آنجا که دل بسته ای گنج توست
که این گنج تو حاصل رنج توست
میاندوز گنجی که بی حاصل است
که رنج تن و جمله خود باطل است
ز نورش همه پیکرت روشن است
اگر چشم تاریک و خیره شود
همه پیکرت تار و تیره شود
اگر روشنائی تو تیره شد
یقین دان که ظلمت به تو چیره شد
چو عیسا چنین گفت ، آنگه فزود :
دو سرور نشاید که خدمت نمود
یکی را محبت در او خانه است
یکی نفرت از وی در او لانه است
یکی را گرامی و والا شمرد
به آن دیگری جز حقارت نبرد
محال است بر مرد دنیا پرست
که باشد خداترس و یزدان پرست

بزرگمهر وزیری

از انجیل متی ، فصل ۶ آیه های ۱۹ تا ۲۴